

سرنوشت اموال مؤسسه اقتصادی سازمان تبلیغات

معدن علوی نی‌ریز، متعلق به سازمان تبلیغات اسلامی، سال‌ها در اختیار سرهنگ عباسعلی اقبالی و سپس عبدالله نبی‌زاده بود و در سال ۱۳۸۱ اداره آن به محمدطاهر (شجاع‌الدین) حائری، سومین پسر آیت‌الله حائری انتقال یافت که به دلیل عدم علاقه یا ناتوانی در ادامه تحصیلات حوزوی زندگی خود را از قم به شیراز منتقل کرده و بیکار بود. وی در آن زمان ۲۸ ساله بود و فاقد هر گونه آشنایی با مسائل اقتصادی و مدیریت.

مؤسسه اقتصادی سازمان تبلیغات اسلامی در فارس اموال مفصلی در اختیار داشت. مدت‌ها مسئولیت این اموال با مرحوم آیت‌الله حاج شیخ صدرالدین حائری شیرازی (برادر بزرگ آیت‌الله حاج شیخ محی‌الدین حائری شیرازی، نماینده ولی فقیه در فارس و امام جمعه شیراز) بود. وی سرهنگ عباسعلی اقبالی را، که امین و متولی امور مالی ایشان به‌شمار می‌رفت، به سرپرستی اموال مؤسسه فوق گمارده بود. در دوران اقبالی چپاول گسترده‌ای در این اموال صورت گرفت و بخش مهمی از آن به ثمن بخش فروخته شد. سرانجام، به دلیل متلاشی شدن وضع مالی این مؤسسه، مسئولیت آن به آیت‌الله محی‌الدین حائری سپرده شد و ایشان نبی‌زاده را سرپرست اموال مؤسسه فوق نمود. نبی‌زاده رویه اقبالی را دنبال کرد و مابقی این اموال تاراج شد. برخی نمونه‌های بارز در این زمینه عبارتند از:

- فروش پاساژ بزرگ و گرانتقیمت متعلق به مؤسسه فوق در خیابان کریم خان زند (خیابان مرکزی شیراز)، روبروی خیابان انوری، و واریز پول آن به حساب مؤسسه فلاح؛ که وضع مالکیت آن مبهم است و طبق اساسنامه مؤسسه خصوصی به‌شمار می‌رود.
- فروش زمین بسیار گرانتقیمتی در شهر زرقان که ملکیت آن به دولت تعلق داشت ولی در تصرف مؤسسه اقتصادی سازمان تبلیغات اسلامی بود و واریز وجه آن به حساب مؤسسه فلاح. زمین فوق بدون انتقال سند فروخته شد و تا سال ۱۳۸۵ سید یدالله شیرمردی، مسئول وقت دفتر امام جمعه شیراز، از طریق ادارات منابع طبیعی و امور اراضی پیگیر حل مسئله سند آن بود.
- انتقال واگذاری پلاک‌های سه و چهار فرعی از ۹۷۹ اصلی در بخش ثبتی ۶ به‌نام ملوسجان (شهرستان سپیدان) به مساحت ۱۲۴/۵ هکتار و پلاک یک فرعی از ۹۹۶ اصلی از همان ملوسجان به مساحت ۲۳/۳ هکتار به مؤسسه فلاح. اراضی دولتی فوق با مجوز وزیر به مؤسسه اقتصادی سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شده بود. به گفته محمدطاهر حائری، در دوران مدیریت اقبالی و سپس نبی‌زاده در مؤسسه

اقتصادی سازمان تبلیغات، در معدن علوی نی ریز سوءاستفاده‌های کلان مالی صورت گرفته بود. وی مدعی بود که اقبالی و نبی‌زاده با انعقاد قرارداد صوری با مستأجرین سابق این معدن هر ساله مبالغی برای شخص خود دریافت می‌کردند. معه‌ذا، در دوران مدیریت محمداطاهر حائری این معدن به کلی متلاشی شد و وی با خسارتی کلان، که از ۳۰۰ میلیون تومان تا یک میلیارد تومان ذکر می‌شود، معدن را رها کرد و، چنان‌که شرح خواهیم داد، شرکت زاگرس سبز را تأسیس نمود. معدن بار دیگر به نبی‌زاده تحویل شد. اخیراً، هیئتی به سرپرستی حجت‌الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی برای رسیدگی به حساب‌های مؤسسه فوق به شیراز آمد و نبی‌زاده را نیز برای توضیح فراخواند. از نتیجه کار این هیئت اطلاعی در دست نیست.

علیرضا مسعودی و اقتدار او

علیرضا مسعودی از طریق نسبی و سببی به خاندان ایروانی تعلق دارد و خویشاوند نزدیک رحیم ایروانی است. همسرش نیز از خانواده ایروانی است. برادر زن او، مهرداد ایروانیان، آرشیتکت و پیمانکار بسیاری از طرح‌های شهرداری شیراز در سال‌های پس از انقلاب است. محوطه‌سازی دروازه قرآن و بلوار چمران شیراز کار اوست. در سال ۲۰۰۲ منظره‌سازی دروازه قرآن در ایتالیا لوح تقدیر و ۱۱۰ هزار دلار جایزه گرفت.

محمد رحیم ایروانی متقی (متوفی ۱۲ اسفند ۱۳۸۴ در آمریکا) در دوران پهلوی مالک کارخانه کفش ملی و در ردیف افرادی چون خیامی‌ها، رسول وهاب‌زاده، مراد اریه، حبیب ثابت، جعفر اخوان، منصور یاسینی، حاج محمدتقی برخوردار، لاجوردی‌ها و دیگران، از ثروتمندان سرشناس دوران متأخر پهلوی به‌شمار می‌رفت. صرفنظر از یهودیان و بهائیان شناخته شده چون مراد اریه و حبیب ثابت، برخی از این ثروتمندان سرشناس دوران پهلوی یهودی‌تبارند. من از دو منبع آشنا و نزدیک به ایروانی‌ها شنیدم که این خاندان نیز یهودی‌تبار است.

پس از انقلاب، اموال ایروانی، از جمله کارخانه کفش ملی، مصادره شد ولی ایروانی پیش از آن ثروت عظیمی را به آمریکا منتقل کرده بود. او در آمریکا مالک شرکت‌های متعدد بود و ریچارد هلمز (۱۹۱۳-۲۰۰۲)، رئیس سیا (۱۹۶۶-۱۹۷۳) و سفیر آمریکا در ایران (۱۹۷۳-۱۹۷۷)، در دوران بازنشستگی عضو هیئت مدیره یکی از شرکت‌های متعلق به رحیم ایروانی بود. این نوعی از «رشوه قانونی» مرسوم در آمریکاست که به دلیل نقش هلمز در کمک به ایروانی، در دوران سفارت در تهران، به وی پرداخت شد.

مسعودی تا زمان انقلاب در آمریکا تحصیل کرد. او پس از بازگشت به ایران از اوائل دهه ۱۳۶۰ فقط به فعالیت‌های مرتبط با اموال مصادره‌ای در فارس مشغول شد مانند سرپرستی اموال مصادره‌ای در کمیته امداد امام خمینی (ره)؛ و سرانجام اداره امور اقتصادی دفتر امام جمعه شیراز را به دست گرفت.

مسعودی اولین رئیس مؤسسه فلاحت در فراغت است و به دلیل توانمندی ذاتی در ایجاد ارتباطات اداری و فراهم آوردن پول و برخورداری از ژن قوی کاسب‌کارانه و عدم پایبندی به اصول و قوانین و حتی اخلاق متعارف در فعالیت اقتصادی سالم، مانند وفاداری به عهد و پیمان شفاهی و حتی قرارداد کتبی، توانست تشکیلات عظیم فوق را طراحی و ایجاد کند. مسعودی در کنار مؤسسه فلاحت، شرکت خصوصی خود را به نام مؤسسه خیریه رمضان ایجاد کرد و بخشی از پول‌سازترین قراردادهای و طرح‌ها را به این مؤسسه منتقل نمود. به دلیل مشکلات حقوقی ایجاد شده برای تداوم فعالیت‌های اقتصادی مؤسسات «خیریه»، در خرداد ۱۳۸۶ به تأسیس شرکت بناسازان رمضان دست زد که اکنون به عنوان مقتدرترین شرکت انبوه‌ساز شیراز شناخته می‌شود.

مسعودی، علاوه بر احداث مجتمع‌های بزرگ مسکونی در نقاط مختلف شیراز و مالکیت مدرسه امام رضا (ع)، مهم‌ترین مدرسه شیراز واقع در خیابان همت جنوبی، پیمانکار اصلی شهر جدید صدرا نیز به‌شمار می‌رود. هم‌اکنون ۲۲ هزار واحد آپارتمانی و ۲۳ هزار واحد ویلایی در شهر جدید صدرا در حال ساخت است.^{۹۴} بزرگ‌ترین پیمانکار این مجموعه عظیم شرکت بناسازان رمضان، متعلق به مسعودی، است.

برای شناخت میزان اقتدار مسعودی فقط کافی است به این نمونه توجه شود: در پلاک قصر قمشه، واقع در محدوده شهر جدید صدرا، این تعاونی‌ها دارای زمین هستند: تعاونی مسکن اداره ثبت اسناد و املاک، تعاونی مسکن سازمان جهاد سازندگی، تعاونی مسکن اداره منابع طبیعی، تعاونی مسکن اداره کل اطلاعات، و تعاونی مسکن جهاد نصر. معهذاً، هیچ یک از این تعاونی‌ها موفق به دریافت مجوز ساخت و ساز در زمین‌های خود نشدند؛ ولی مسعودی پس از خرید زمین یکی از این تعاونی‌ها توانست به سرعت مجوز احداث ویلای دو طبقه در قطعات تفکیکی اخذ کند. سود ناشی از دریافت این مجوز ده‌ها میلیارد تومان است.

۹۴. مصاحبه حسن لطفعلیان، روزنامه خبر جنوب، شنبه ۶ بهمن ۱۳۸۶.

لطفعلیان در اول آذر ۱۳۸۶ به جای مهدی عزیزخانی به عنوان مدیر عامل شرکت عمران شهر جدید صدرا معرفی شد.

لطیفیان مدیرعامل شرکت عمران شهر صدرا:

۲۳ هزار واحد ویلایی در صدرا در حال ساخت می باشد

می باشد، که با احتساب این

مجموعه ها شهر صدرا به عنوان بزرگترین مجموعه آموزش عالی در کل کشور شناخته خواهد شد.

مدیرعامل شرکت عمران صدرا در زمینه احداث خط مترو

شیراز، صدرا و پروژه اتصال شهر صدرا به بزرگراه چمران گفت: در

مورد طراحی خط مترو از شیراز به صدرا مشاور انتخاب و طراحی

لازم صورت پذیرفته و طرح توجیهی جهت ارائه به شورای عالی

ترابیک در دست اقدام است. هم چنین فاز یک راه دسترسی صدرا

به بزرگراه چمران (مسیر تنگ قره پیری) توسط مشاور طراحی و به تصویب رسیده و در آستانه

انتخاب پیمانکار است. وی یادآور شد: شرکت عمران

وظایف و تکوین پارک همه خدمات رسانی به شهر و شهروندان

را بر دوش داشته که با استقرار ادارات مرتبط با خدمات شهری که

به صورت مستقل در این زمینه فعال خواهند شد و همچنین استقرار شهرداری قطعاً خدمات رسانی به شهروندان منظم تر خواهد شد.

می باشد.

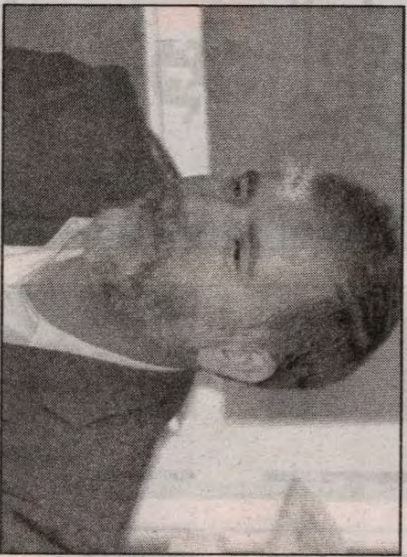
به گفته وی هم چنین دانشگاه حافظ با ۳۰ هزار مترمربع، جهاد دانشگاهی با ۲۰ هزار مترمربع،

دانشگاه پیام نور با ۲۰۰ هزار مترمربع در این منطقه در حال

اعصاب و روان، بیمارستان قلب

خانم الانیاه و اورژانس هوایی در دست طراحی و ساخت می باشد و

ظرف ۷ سال تمامی دانشگاه های خود را به شهر جدید صدرا منتقل خواهند کرد.



آماده سازی است و مقاضیان

دیگری از جمله دانشگاه امام حسین (ع) دانشگاه پاسارگاد و مرکز

تحقیقات نیروی دریایی سپاه نیز مقاضی دریایات زمین برای مجموعه های آموزش عالی خود

مدیرعامل شرکت عمران شهر

جدید صدرا گفت: در حال حاضر ۲۲ هزار واحد آپارتمانی در صدرا در

دست ساخت است که ۶۵۰۰ واحد آن به مرحله بهره برداری رسیده

است. هم چنین ۲۳ هزار واحد ویلایی توسط مردم در حال ساخت

می باشد که این اما را جدا از ساخت و سازهای مردم در مناطق مختلف بافت شهر می باشد.

لطیفیان در گفت و گو با «خبر جنوب» به فعالیت های انجام شده در

بخش توسعه آموزش عالی در شهر صدرا اشاره کرد و افزود: با شروع

سال تحصیلی آینده اکثر واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی تجمیع و با

ساخت و سازی در حدود ۷۰ هزار مترمربع که توسط دانشگاه آزاد

صورت پذیرفته، همگی به شهر صدرا منتقل خواهد شد.

وی از آغاز ساخت دانشگاه صنعتی فارس با چندین دانشگاه در

دهه فجر خبر داد و افزود: علاوه بر این دانشگاه علوم پزشکی شیراز نیز

با مساحت ۲۰۰ هکتار همراه با بیمارستان سوانح مجموعه امیرالمؤمنین، بیمارستان سوختگی امیرالمؤمنین، بیمارستان

گنجینه کور ۸۲، جبهه پهن ۷۷۱۳

گفتم که مسعودی و نبی‌زاده در ظاهر رقیب و دشمن یکدیگر به‌شمار می‌روند. در زمانی که دولت خاتمی در قدرت بود، اختلاف میان این دو شهرت عام یافت و کار به جایی رسید که رستمی، قائم‌مقام نبی‌زاده، در تیر ۱۳۸۲ مدعی شد حکم جلب مسعودی را گرفته است.

بر اساس تجربه‌ای که از تاریخ آموخته‌ام، تصور می‌کنم اختلاف و رقابت میان این دو، سناریویی است شناخته شده که امکان مانور را برای اعضای یک شبکه، در اوضاع متحول و متعارض، برای حفظ و پیشبرد اهداف آن شبکه فراهم می‌آورد. اختلاف ظاهری میان قره‌العین و ملا محمدعلی بارفروشی در اجتماع بایبان در بدشت، بر سر کشف حجاب قره‌العین،^{۹۵}

۹۵. در شعبان ۱۲۶۳ ق. حدود ۲۰۰ نفر از بایبان در باغی در روستای بدشت شاهرود گرد آمدند. در این اجتماع برخی از رهبران طراز اول بایبه، از جمله میرزا حسینعلی نوری (بهاء)، حضور داشتند ولی اکثریت با مردم ساده‌ای بود که به علی‌محمد باب باور داشته و او را مهدی موعود (عج) می‌شناختند. این گروه هنوز به اعتقادات اسلامی، از جمله در مسئله حجاب، به شدت مقید بودند. یکی از اهداف اجتماع بدشت از میان بردن این اعتقادات بود و به این دلیل قره‌العین بدون حجاب در جمع مردان ظاهر شد. این امر غیرت دینی گروهی از بایبان را برانگیخت به نحوی که برخی از ایشان از اجتماع فوق خارج شده و به دامان اسلام بازگشتند. یکی از کسانی که خود را مخالف سرسخت کشف حجاب قره‌العین نشان داد ولی پس از مباحثه با وی قانع و تسلیم شد، و از این طریق گروه وسیعی از بایبان مخالف کشف حجاب را به قره‌العین جلب نمود، ملا محمدعلی بارفروشی (معروف به «قدوس») بود. در منابع بایبی چنین آمده است: «ناگهان حضرت طاهره بدون حجاب با آرایش و زینت به مجلس ورود فرمود... عبدالخالق اصفهانی، که از جمله حاضرین بود، با مشاهده آن حال با دست خود گلوی خویش را برید و از مقابل حضرت طاهره فرار کرد و فریادزنان دور شد. جناب قدوس در جای خود نشسته بودند شمشیر برهنه در دست داشتند و آثار خشم و غضب در رخسارشان آشکار و چنان می‌نمود که فرصتی می‌طلبند تا حضرت طاهره را به یک ضربت شمشیر مقتول سازند.» (نعمت‌الله ذکایی بیضایی، تذکره شعرائی قرن اول بهائی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۶ بدیع [۱۳۴۸ ش.]. ج ۳، صص ۹۸-۹۹)

به‌نوشته دکتر عبدالحسین نوائی، مخالفت میرزا محمدعلی بارفروشی با اقدام قره‌العین نقشه‌ای بود که از پیش، در جلسه با حضور این دو و میرزا حسینعلی نوری (بهاء)، طراحی شد. در این جلسه، قره‌العین پیشنهاد کرد: «من روزی در هنگام موعظه روزانه بی حجاب خود را به مردم می‌نمایانم. امر از دو حال خارج نیست. یا خواهند پذیرفت که فیهوالمطلوب. یا اندک جمعی که در حال تزلزل‌اند... اعتراض خواهند نمود و برای شکایت نزد قدوس، که در آن روز نباید در مجلس حاضر شود، خواهند رفت. وی ایشان را به سخنان گرم و نرم ولی دو پهلوی و موجب شک چند روز ننگه خواهد

و تقسیم زرسالاران یهودی غرب به دو جناح، که یکی حامی حزب جمهوری خواه آمریکا و حزب کارگر بریتانیاست و دیگری پشتیبان حزب دمکرات آمریکا و حزب کارگر بریتانیا، از این گونه است. به این دلیل، هم مارگارت تاچر و جان میجر، نخست وزیران بریتانیا از حزب محافظه کار، و هم تونی بلر، از حزب کارگر، از ژرف ترین پیوندها با زرسالاران یهودی برخوردار بودند.

بر اساس همین تاکتیک، با صعود دولت خاتمی، مدیریت مؤسسه فلاحت به نبی زاده انتقال یافت. در آن سالها، مسعودی، به دلیل چرخش در مواضع سیاسی و ایجاد ارتباط نزدیک با برخی مسئولان استانداری و مدیران کل ادارات، کار خود را پیش برد و پیمانکاری های کلانی را در شهر شیراز و شهر جدید صدرا اخذ کرد. با صعود دولت دکتر احمدی نژاد، مسعودی، که در انتخابات ریاست جمهوری از حامیان آیت الله هاشمی رفسنجانی بود، بار دیگر مواضع سیاسی خود را تغییر داد و کوشید تا چهره خود را در پس فعالیت های فرهنگی پنهان کند. او رابطه نزدیک دیرین با دفتر امام جمعه شیراز را اعاده کرد، در اسفند ۱۳۸۴ با صرف مبالغ کلان کنگره بزرگداشت نصرالله مردانی، شاعر کازرونی، را برگزار نمود؛ چنان که گفتم، شخصیتی علمی و خوش نام را به عنوان قائم مقام خود در شرکت بناسازان رمضان منصوب کرد و تأمین هزینه های مالی کنگره بزرگداشت آیت الله سید نورالدین حسینی شیرازی را، که باید در بهار یا تابستان ۱۳۸۷ برگزار شود، متقبل شد. اندکی پیش از دیدار هیئت برگزارکننده کنگره فوق با مقام معظم رهبری (۳ دی ۱۳۸۶)، که من به عنوان عضو هیئت علمی در ترکیب آن حضور داشتیم، دریافتیم که محمدحسن (شهاب) حائری، مسئول دفتر امام جمعه شیراز، نام

←

داشت و چون به موجب مذهب اسلام زنان مرتده (برخلاف مردان که مستحق اعدام اند) باید با نصیحت و دلالت و موعظه به راه راست هدایت شوند، قدوس مرا مرتده اعلام خواهد کرد و روزی با من مباحثه خواهد نمود و من در این مباحثه وی را مجاب خواهم کرد تا مردم قانع شوند بخصوص که تا آن وقت شور و حرارت اولیه از بین رفته و چشم و گوش آنان پر شده است. این نقشه شیطانی به اتفاق آراء تصویب شد و قره العین برای اجرای آن آماده شد. (اعتضاد السلطنه، فتنه باب، با توضیحات عبدالحسین نوائی، تهران: بابک، ۱۳۶۲، صص ۱۷۹-۱۸۱) نوائی ماجرا را به طور مشروح بیان می دارد. به ترتیب بالا عمل می شود تا آنجا که «قدوس بر طبق نقشه قبلی مجاب شده، اقرار کرد که گفتار و کردار قره العین صواب بوده و از گفتار سابق خود نسبت بدو معذرت خواست و کلیه اصحاب او، بی آن که بدانند این صحنه ها تماماً ساختگی و مطابق نقشه بوده، سر اطاعت نهادند و بدعت جدید را پذیرفتند.» (همان مأخذ، ص ۱۸۴)

مسعودی را، به عنوان «تأمین کننده مالی»، در فهرست اسامی دیدارکنندگان با رهبری قرار داده است. و دریافتم این برای نخستین بار است که مسعودی به دفتر رهبری راه می‌یابد. این حادثه برایم سنگین و اسفبار بود.

علیرضا مسعودی هم‌اکنون گرداننده واقعی و پس پرده دفتر امام جمعه شیراز است و شهاب حائری، رئیس دفتر، از نظر مالی و فکری به شدت متکی به اوست؛ هر چند شهاب، به دلیل خودبینی و خودسری فراوان و دانش و تجربه اندک، گاه به اقداماتی غیرعقلایی دست می‌زند که نمی‌تواند توصیه یا القاء مسعودی زیرک و آینده‌نگر باشد. ظاهراً، طبق وعده شهاب حائری در مصاحبه ۲ بهمن، از این پس مسعودی، مدیر عامل شرکت بناسازان رمضان، به «ساخت» حوزه علمیه در خیابان قصرالدشت و «ساخت» موزه تاریخ تشیع و «بازسازی و مرمت» مسجد نو در شهر شیراز خواهد پرداخت.

مسعودی در اوائل دهه پنجاه زندگی خود است؛ چهره‌ای ظاهرالصلاح دارد به نحوی که در دیدار با او نمی‌توان میزان قدرت و ثروتش را شناخت؛ به سان یک معلم ساده در مدرسه خود تدریس می‌کند، ساده می‌پوشد و خوش‌برخورد و شوخ است. ولی، حتی محاسن انبوه و ظاهر ژولیده و پوشاک مستعمل او نمی‌تواند نگاه خاصی را که در چشمانش نهفته است پنهان کند. این چشمان شخصیتی بسیار زیرک و دارای قدرتی ظلمانی را جلوه‌گر می‌سازد.





علیرضا مسعودی، بنیانگذار واقعی و اولین مدیرعامل مؤسسه فلاحت در فراغت



مهندس علیرضا مسعودی و دکتر عبدالله نبی زاده
رقیب یا متحد پنهان؟

مسعودی و املاک ورثه ضرغامی

مسعودی در حوزه‌های متنوع اقتصادی و مالی فعال است. از جمله، به دلیل نفوذ در ادارات و سازمان‌ها و ارتباط با برخی مقامات قضایی، «شرخری» یکی از شاخه‌های فعالیت وی به‌شمار می‌رفت:

مسعودی با مالکینی که اراضی‌شان در تصرف زارعین یا در تصرف برخی نهادها بود، قرارداد منعقد می‌کرد و پس از رفع تصرف سهم قابل توجهی را برداشت می‌نمود. او در این قراردادها پایبند اخلاق و اصول و قول و حتی تعهدات کتبی نبود؛ در مواردی با پرداخت مبالغ ناچیزی به مالکین تهیدست و نیازمند تمامی ملک را تملک می‌کرد و در مواردی با مسئولین نهاد ذریبط به‌طور پنهان مصالحه می‌کرد و ملک، پس از فروش، میان طرفین تقسیم می‌شد بی‌آن‌که سهمی به مالکین پرداخت شود.

ماجرای اراضی بنی‌یکه و هاشم‌آباد، متعلق به وراثت آغا بی‌بی شیبانی همسر محمد خان ضرغامی، نمونه‌ای بارز از این شیوه غیراخلاقی عملکرد مسعودی است. اراضی فوق در تصرف ستاد اجرایی فرمان امام (ره) بود و جابر بان‌شی حاکم شرع ستاد فوق.

من، به دلیل اطلاع از وضع نامناسب مالی برخی از اعضای این خاندان قدیمی و سرشناس فارس، که تا پیش از انقلاب متمول بودند، و به دلیل اطلاع از کمک‌های ضرغامی به گسترش تظاهرات و پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، از نظر شرعی و اخلاقی احقاق حق و رفع تظلم از این خانواده را وظیفه خود دانستم و لذا در این راه، در حد توانم، کوشیدم.

محمد ضرغامی، رئیس ایل باصری،^{۹۶} دو سال پس از قیام سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۲ عشایر کوهمره سُرخ‌ی و بویراحمد، دستگیر و به پانزده سال زندان محکوم شد.^{۹۷} او پس از آزادی

۹۶. اولین تک‌نگاری درباره ایل باصری به فردریک بارث نروژی تعلق دارد: فردریک بارث، *ایل باصری*، ترجمه دکتر کاظم ودیعی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳. در سال‌های اخیر کتاب‌های متعددی درباره ایل باصری منتشر شده. آقای احمدعلی خان اسفندیاری نیز خاطرات پدرشان، مرحوم محمدحسین خان اسفندیاری، را در اختیار من گذارده‌اند که منتشر خواهم کرد.

۹۷. عمومی، از رهبران حزب توده که به تبع جهان‌بینی مارکسیستی مخالف «خان» است، می‌نویسد: «محمد خان ضرغامی... با فرهنگ‌ترین خانی بود که تا آن زمان دیده بودم... مردی است میان سال با موهای جوگندمی، خوش‌هیكل، باوقار، خوش‌سخن و با اتوریته‌ای در خور. رئیس زندان و افسران همچنان او را به دیده خان و رئیس ایل می‌نگرند... افراد ایل برای رفع مشکلات خود و خانواده‌های‌شان در پشت در اتاق او به صف می‌ایستادند... او همچنان خان بود و قلمرو ایل زیر

از زندان، تا چند ماه پیش از انقلاب در تهران و سپس در اصفهان تبعید بود. با شروع انقلاب به فارس آمد، در ملک موروثی از پدرش (قصرالدشت کمین، مجاور سعادت شهر کنونی) مستقر شد، به دلیل کینه‌ای که از حکومت پهلوی به دل داشت در راه پیروزی انقلاب کوشید، و پس از پیروزی به دیدار امام خمینی (ره) در قم رفت.

در گزارش ۱۳ فروردین ۱۳۵۷ ضد اطلاعات فرمانداری نظامی شیراز فعالیت‌های محمد ضرغامی علیه حکومت پهلوی بیان شده و از جمله به روابط او با **خاندان سادات انجوی ارسنجان** اشاره شده است:

«نامبرده در بخش سعادت‌آباد کمین با سید محمود [محمد] انجوی و فرزندش در مورد تدارک گروه‌های ضد رژیم ارسنجان در محل‌های مختلف و همچنین با گروه‌های مخالف در جهرم تماس می‌گیرد.»^{۹۸}

در گزارش مورخ اوّل آذر ۱۳۵۷ فرمانداری نظامی شیراز به رئیس ساواک و فرمانده ژاندارمری فارس آمده است:

«تظاهرکنندگان شهرستان ارسنجان فارس توسط محمد خان ضرغامی، رئیس ایل خمسه باصری، تدارک و پشتیبانی می‌گردند و تاکنون در حدود یک و نیم میلیون تومان به آنها داده است و تعدادی اسلحه نیز وارد کرده است.»^{۹۹}

معهدا، اندکی پس از پیروزی انقلاب، به دلیل کردار ماجراجویانه و ناصواب دو تن از پسران محمد ضرغامی و گرایش یکی از آنها به چریک‌های فدائی خلق و تحریک و تفتین **سید محمد ارسنجانی**، از نزدیکان **سید مهدی هاشمی** و رهبر افراطیون اوائل انقلاب

← فرمان او و همسر بسیار کارآمدش، که در نبود ارباب با قدرتی مثال زدنی جای شوهر را پر می‌کرد، با نظم کامل اداره می‌شد... اسدالله علم بارها از محمد خان ضرغامی خواست که از تندی و بدگویی نسبت به شاه خودداری کند تا آزادی‌اش را تأمین کند. اما او، همچنان، غیرت عشیرتی‌اش مانع از آن بود... مونس‌اش دیوان فرخی یزدی بود و در هر مناسبت شعری را انتخاب می‌کرد وصف الحال پدر و پسر تاجدار! سرانجام، با پادرمیانی علم دستور آزادی‌اش صادر شد مشروط بر این که در تهران سکونت کند و از مسافرت به استان فارس خودداری کند.» (محمدعلی عمویی، *دُرد زمانه*، تهران: انتشارات آرزان، چاپ اوّل، ۱۳۷۷، صص ۳۹۳-۳۹۴)

۹۸. بنگرید به تصویر سند در ص ۱۶۹.

۹۹. بنگرید به تصویر سند در ص ۱۶۸.

در فارس، در منطقه ارسنجان و کمین و مرودشت تنش‌هایی میان طرفین پدید آمد. این تنش به ترور محمد ضرغامی در ۸ دی ۱۳۵۹ انجامید.^{۱۰۰}

من مطلع بودم که مذاکراتی میان محمد ضرغامی و آقای هاشمی رفسنجانی و یکی دیگر از نزدیکان امام (ره) در جریان بود با این هدف که در مقابل جبهه خسرو خان قشقایی جبهه عشایری جدیدی در فارس، برای دفاع از انقلاب، گشوده شود. در آن زمان بیم این می‌رفت که خسرو خان قشقایی فارس را به سوی تشنج پیش برد و به کردستانی دیگر بدل کند.^{۱۰۱} تنها نیروی عشایری مقتدر برای مقابله با این حرکت محمد خان ضرغامی بود. در پی این مذاکرات، قرار شد محمد ضرغامی برای ملاقات محرمانه با آقای هاشمی و یکی دیگر از نزدیکان امام (ره) به تهران برود. وی دو روز پیش از این سفر به قتل رسید.

یک سال پس از قتل محمد ضرغامی، باز هم با تلاش ارسنجان، حکم مصادره اموال او صادر شد. در اول آذر ۱۳۶۰ دادگاه انقلاب اسلامی شیراز نظر به مصادره این اموال داد و چنین استدلال کرد:

«به حسب شهادت طومار اهالی و شهادت حجت‌الاسلام موسوی ارسنجان متهم مزبور سه در صد به نام مالیات و به‌طور قهر از مردم آن سامان می‌گرفته و با اشرار و سارقین منطقه نیز گاوبندی داشته و از اموال مسروقه سهمیه دریافت می‌داشته است.»^{۱۰۲}

این «متهم مزبور» همان محمد ضرغامی است که از اوایل سال ۱۳۴۵ تا پایان سال

۱۰۰. سید محمد (محمدحسن) ارسنجان یکی از پنج پسر آیت‌الله سید محمدحسین ارسنجان (عضو مجلس خبرگان و امام جمعه فسا) است. سید محمدحسین ارسنجان پیش از انقلاب از نزدیکان مرحوم آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی بود و، به جز در یک مقطع کوتاه در سال ۱۳۴۲ و آن هم فقط در حمایت از آیت‌الله گلپایگانی، در مبارزات علیه حکومت پهلوی و نهضت امام خمینی (ره) شرکت نداشت. معهذ، پسرش، سید محمد ارسنجان، به یکی از افراطی‌ترین فعالین سال‌های اولیه انقلاب بدل شد. سید محمد ارسنجان از نزدیکان سید مهدی هاشمی و مجری برنامه‌های او در فارس بود و در آن زمان در سپاه فارس نفوذی قابل توجه داشت. وی هم‌اکنون ۵۷ ساله و ساکن قم است، به بیت آیت‌الله منتظری نزدیک است و با نظام جمهوری اسلامی و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای میانه‌ای ندارد.

۱۰۱. بنگرید به: [عبدالله شهبازی]، کودتای نوژه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۶۷، صص ۴۲-۴۳؛ چاپ چهارم، ۱۳۸۴، صص ۵۸-۶۰.

۱۰۲. بنگرید به تصویر سند در ص ۱۷۰.

۱۳۵۶ در زندان و تبعید بود، و طبعاً فرصتی برای «سرقت» و «زورگیری» نداشت، اینک یک سال از ترور او به دست افراد «ناشناس»، بدون رعایت ضوابط شرعی و حکم قضایی، می‌گذشت؛ و در این فاصله یک ساله انحصار ورثه شده و اموالش در ملکیت و ید وراث او بود! این «طومار» و «شهادت» ارسنجان، که قطعاً کذب است و می‌توانم اسناد تاریخی متقن در رد آن عرضه کنم، برای شعبه ۲ دادگاه عالی انقلاب اسلامی کفایت نمی‌کند و لذا طی نامه‌ای به رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی فارس خواستار محاسبه دقیق «اموال حرام» و تفکیک آن از بقیه اموال می‌شود: «بدون محاسبه دقیق و مقایسه نمی‌توان حکم به مصادره نمود.»

در ۱۷ اسفند ۱۳۶۰ رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی فارس با دریافت حکم از آیت‌الله محمد مؤمن، رئیس پیشین دادگاه عالی انقلاب اسلامی و عضو وقت شورای عالی قضایی، کار را یکسره می‌کند. متن این «حکم تلفنی»، که باید به عنوان یکی از نوادر مثال‌زدنی تاریخ قضاوت در جهان ثبت شود، به شرح زیر است:

«بسمه تعالی - طی تماس تلفنی با حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای مؤمن عضو محترم شورای عالی قضایی در مورد محاسبه دقیق اموال حرام مرحوم محمد خان ضرغامی، که امر به غیرممکن است، پس از مذاکره فرمودند: اگر درآمد حالیه... [ناخوانا] اگر داشته‌اند این همه عیاشی‌ها و بریز و بیاش‌هایی که کرده‌اند به قدر این اموال می‌شود مضافاً به این که از وقتی که فهمیده‌اند مصادره شده خیلی‌ها را برده‌اند. این خود محاسبه قطع و یقین‌آور است [!] که آن چه مانده است کلاً حرام و محکوم به مصادره می‌باشد.»

بدینسان، به استناد «طومار» گروهی ناشناس و تفتین سید محمد ارسنجان، تمامی اموال محمد ضرغامی مصادره شد. اندکی بعد مصادره‌کنندگان با اره برقی جنگل انبوه و بزرگ پنجاه ساله چنار را، که ضرغامی در حاشیه رود سیوند احداث کرده بود، از میان بردند. این املاک هم‌اکنون در تصرف مجتمع اقتصادی کمیته امداد است.

در این ماجرا نه به طومار و شهادت کتبی ده‌ها تن از ریش سفیدان و محترمین ایل باصری توجه شد نه حتی به شهادت مکتوب علمای معتبر فارس. از درج طومار باصری‌ها صرف‌نظر می‌کنم و تنها شهادت تعدادی از علمای سرشناس آن روز شیراز، و ارسنجان، را ذکر می‌کنم: آیت‌الله سید محمد انجوی، مجتهد سرشناس ارسنجان، نوشت:

«بسمه تعالی - آنچه اینجانب در منطقه کمین که مولد و موطنم هست مشاهده کردم، قصرالدشت کمین آباد کرده محمد ضرغامی است به اضافه تنگ بلاغی

که منطقه وسیعی است و ایشان در کشاورزی و فعالیت‌های عمرانی تخصص و کوششی عجیب داشت و به زارعین بهتر از دیگران رفتار می‌کرد و عمران محلی از بهداری و ساختمان مسکونی و مدرسه شخصاً اقدام می‌کرد به هزینه خود، به‌علاوه کشاورزی در سرحد چهاردانگه. به‌رحال مهم زندگی و شغل ایشان کشاورزی بود. هو العالم و الحاکم. ۶۱ / ۱۲ / ۴ - سید محمد انجوی.»

مرحوم جلال‌الدین آیت‌الله‌زاده، برادر مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ بهاء‌الدین محلاتی، نوشت:

«بسمه تعالی - آنچه من در حیات آقای محمد ضرغامی مشاهده کردم، نامبرده کشاورزی بود نمونه و فعالیت کشاورزی چشمگیری داشت و از زراعت بهره وافری می‌برد و آنچه را اندوخته بود از طریق کشاورزی و دامداری بود. والله العالم بحقایق الامور. جلال‌الدین آیت‌الله‌زاده - ۶۱ / ۱۲ / ۲.»

مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مجدالدین محلاتی نوشت:

«آنچه را عموی گرم جناب آقای جلال‌الدین آیت‌الله‌زاده مرقوم داشته‌اند مورد تصدیق و گواهی است. خداوند همه مسلمانان را از شر آشور و دروغ‌گویان در امان دارد و احکام اسلام در میان مردم جاری گرداند. والسلام. مجدالدین محلاتی. ۶۱ / ۱۲ / ۳.»

مرحوم آیت‌الله سید محمد امام (ذوالانوار) نوشت:

«بر حسب گواهی آقایان فوق که در محل ساکن هستند گواهی داده می‌شود که ورثه ذیحق و مورد ترحم است. از قضات محترم شرع انتظار رسیدگی هست. سید محمد امام. ۶۳ / ۵ / ۲۳.»

حضرت آیت‌الله سید کرامت‌الله ملک‌حسینی نوشت:

«بسمه تعالی شأنه. بر حسب گواهی آقایان مطلع و مورد اعتماد و استناد، مراتب متن مورد تصدیق است. امید آن که امور بر وفق واقعیت و نفس الامر جریان پیدا کند. ۶۳ / ۵ / ۱۴. ملک‌حسینی.»

حجت‌الاسلام و المسلمین سید مجدالدین مصباحی نیز شرحی مفصل درباره محمد ضرغامی نوشت. تصویر اسناد فوق در صفحات بعد درج می‌گردد.

اسناد املاک محمد ضرغامی موجود است. بخش اصلی ثروت وی چهار دانگ از شش دانگ مزرعه ۱۵۰۰ هکتاری قصرالدشت کمین بود که در گواهی آیت‌الله سید محمد انجوی

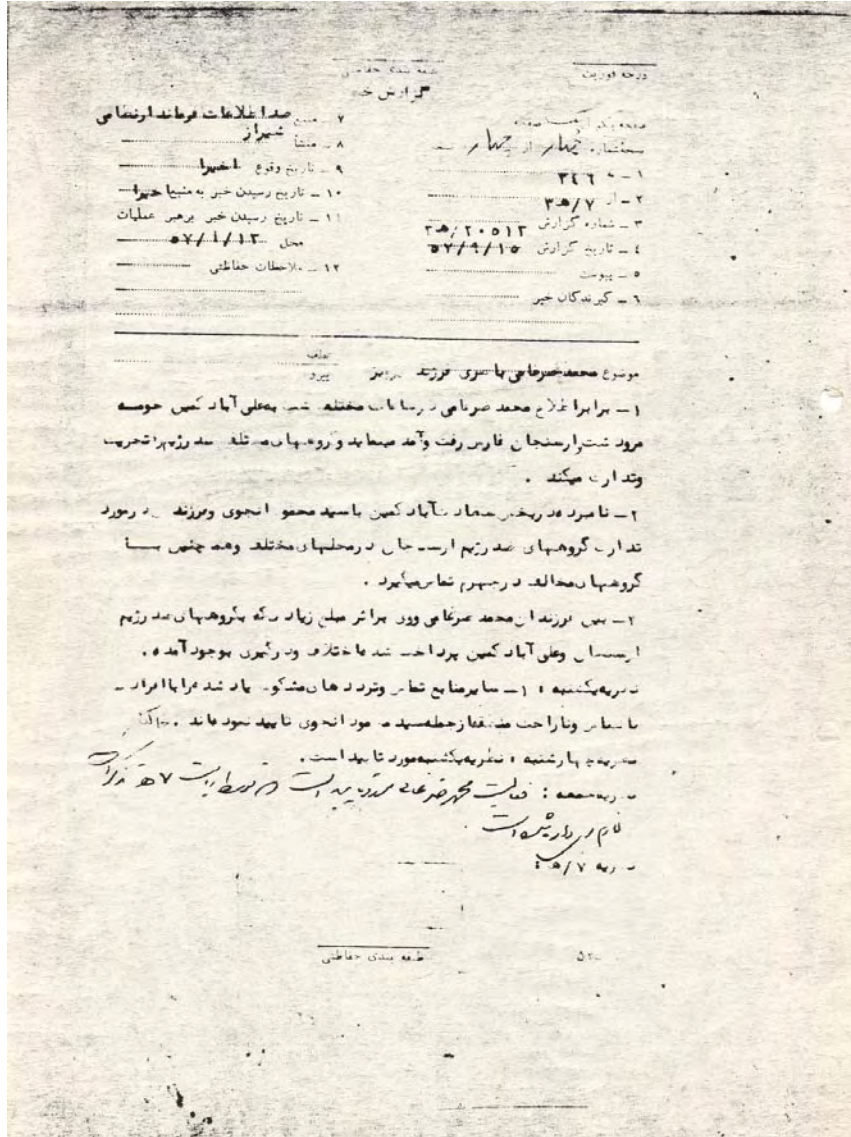
بدان اشاره شده. این ملک را پرویز خان باصری، پدر محمد خان ضرغامی، در سال ۱۳۴۶ ق. / ۱۳۰۷ ش. از ابوالقاسم خان نصیرالملک (قوامی) خریداری کرد. پرویز خان از معدود خوانینی بود که به «تشرع» در حد افراط، شهرت داشت و به این دلیل حتی مورد تمسخر بود. قطعاً ملک موروثی او را نمی‌توان «نامشروع» دانست.

این امر در دستخط یکی از علمای شیراز، که در کنار دستخط آیت‌الله ملک حسینی شهادت داده‌اند و نام‌شان خوانا نبود، مورد تأکید قرار گرفته است:

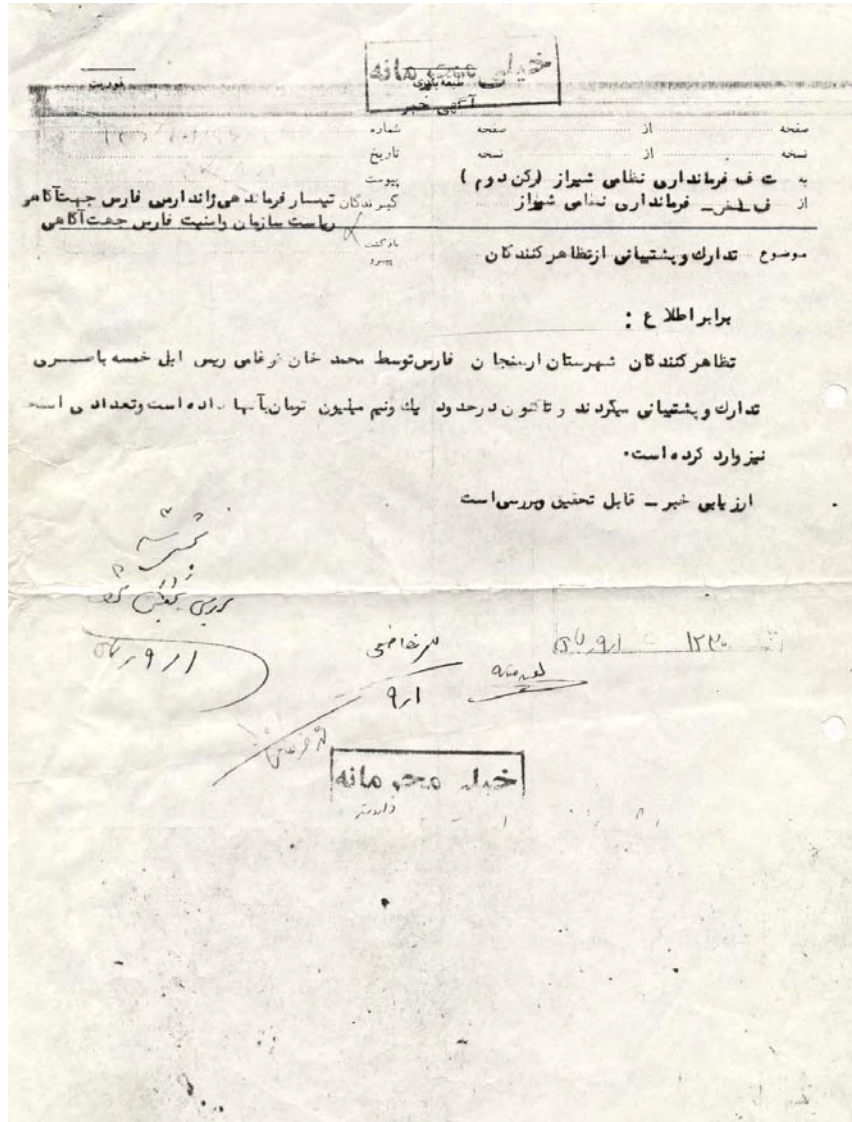
«بسمه تعالی - راجع به گواهی در ظهر این ورقه آن‌چه اینجانب اطلاع دارم قصرالدشت کمین را ورثه مرحوم صاحب‌دیوان مالک بودند و بعد به اشخاص فروختند و مرحوم محمد ضرغامی و پدر آن مرحوم، پرویز ضرغامی، از اشخاص خریدند که در ثبت اسناد محرز و مشخص هست و شخصاً محمد ضرغامی شخص زارع و دامدار بود و همیشه در صدد آبادی بود و نشنیدم که اموال کسی را به زور گرفته باشد. الاحقر [امضا ناخوانا] ۷ / ۱۲ / ۶۱.»



تصویری از محمد ضرغامی در زندان



فعالیت های محمد ضرغامی در زمان انقلاب



فعالیت‌های محمد زرغامی در زمان انقلاب و ارتباط با آیت‌الله انجوی

داده عالی انقلاب اسلامی

۱۳۰۱۰۱۴

به نامتو محترم دادگاه های انقلاب اسلامی استان فارس
 عطف به نظریه شماره ۲ دادگاه عالی انقلاب اسلامی شماره ۱۳۲۱/۶۰ ع ۱۳۰۱۰۱۴
 ۶۰ بعنوان توضیح بند اول این نظریه با از تمام با مواد و مبرکوار - - - - - الاسلام و المسلمین اسلامی
 حاج سید جعفر کهنی مدالی بهر معروض میگرد
 با عطفیت با نتیجه در متن نامه شماره ۱۳۲۱/۶۰ ع ۱۳۰۱۰۱۴ دادگاه انقلاب اسلامی
 شهرزاد آمده است که بحسب شهادت همکار اهالی و شهادت - - - - - الاسلام موسوی اوینجالی ششم
 مزید ۳ کتب مالیه و بهادیر شهر از مردم آن سامان معترفته و با انوار و شاکتین بنامه مبرکوار و بند ی
 داشته و از اموال معترفته صحیح در زمان برداشته است این شهادتها که مورد اعتماد ریاست محترم
 دادگاه قرار گرفته گسریه معقول است لکن لازم است با - - - - - مابرسی تعیین زلو انیمالی میزان اموال شخصی
 را که مشتمل از این راه کسب کرده با دارای عملی او مقایسه گردد و اگر معلوم شد که باند از راه اموال
 فعلی از طریق حرام در دسترس حصول الهائی دارا - - - - - حکم با استناد از اصول ایستاد
 میزان فعلی اسلام منافی است -
 کما اینکه اگر مردی که مالیه آنها را داده اند مشخص نمایند و حق خود را دریافت نمایند
 دادگاه بگذارد در این صورت نیز حکم مذکور با قواعد منافی است و اگر صاحبان حقوق مشخص
 باشند و مالیه خود را بمانند باید حق آنها را بدهد
 در هر صورت غرض دادگاه عالی (نسخه ۲) این است که بدون مسامحه دقیق و منافی
 نمیتوان حکم صادره نمود و هم از منافی به شرح فوق مورد باید مبرا شدیم

دادگاه عالی انقلاب اسلامی

محمد باقر طوسی با محمد باقر طوسی دادگاه عالی انقلاب اسلامی
 در مورد کما سید حسین امیرالجم جمیزام شریکها که از منافی
 است بر از هر که فرموده اگر در کمالی - - - - -
 اینده عیاشی ها در بر کرم بیاینها گسریه کرده اند در راه راه راه
 عیاشی با سید لزه مشقه نموده اند به صادره شمشیل ها از راه راه
 این خود کما سید حسین (آورد) است که در کمالی است که از راه راه
 و کرم عیاشی در راه راه - - - - -

دادگاه عالی انقلاب اسلامی

دادگاه عالی انقلاب اسلامی

حکم مصادره اموال محمد ضرغامی

بسم الله الرحمن الرحیم
 آنچه از بیخ جیب در منطقه کهنی که در لید و در طبع
 هست تا هر یک دردم نصرالست کهنی از یادگار
 که در قفا بر است باضافه تنگ باغی که منطقه
 وسیع است و آن را در کت و در زوفا که
 عراقی که حضور و کرسی محمدی است و نیز از عینی
 که در نزد پسران و در باره میگرد و در آن محل از کلبه
 و بافتن کف و در و در و در و در و در و در و در و در و در
 هر یک خود معلوم است و در نزد سر صید و در
 بدصل نام زندگی و مثل است که در نزد بود
 هو العالم والیاکم
 شیخ سید محمد انجلی
 ۱۳۳۴

شهادت علمای سرشناس فارس درباره محمد ضرغامی
 (گواهی آیت الله سید محمد انجلی ارسنجان)

بسم الله
 آنچه من در سیات کار و حرفه تمام شده کرده ام
 فایده کنش در روز بجهت خود و قه ایته کن در کار
 چشم من از آنست و لذت اعتدال بهر دوام
 میر و روایت را انداخته به نظر آن کن در کار
 و در کار این و الله ان لم یحکم لیسر
 صلوات بر محمد و آله
 ۳ ر ۱۲ / ۵۱

بسم الله
 آنچه را محوی کردم بنمایه حیدر الدین آیت الله زاده مرحوم
 در دست آمد مورد تصدیق و گواهی است. فایده چشم من این
 را از سر راه برار و در وقت مرگ در این دار دو احکام است
 در بین مردم بهی زود اند بودم که در امر جمع
 ۳ ر ۱۲ / ۵۱

شهادت علمای سرشناس فارس درباره محمد ضرغامی
 (گواهی مرحوم جلال الدین آیت الله زاده و مرحوم آیت الله شیخ مجدالدین محلاتی)

تنها به مصادره اموال محمد ضرغامی اکتفا نشد بلکه اموال همسر وی نیز تصاحب شد. بخش عمده این اموال عبارت بود از مزرعه‌های بنی‌یکه و هاشم‌آباد (پلاک‌های ۸۰ و ۸۱ از بخش ۶ فارس) که آغا بی‌بی پریچهر شیبانی بنی‌عبداللهی (همسر محمد خان ضرغامی رئیس ایل باصری) از پدرش (خان‌باز خان رئیس ایل عرب) به ارث برده بود. با فوت آغا بی‌بی شیبانی (اسفند ۱۳۶۱) این اموال به فرزندان وی رسید. املاک آغا بی‌بی شیبانی دوازده سال «موقتاً» توقیف بود. در سال ۱۳۷۲ محمدعلی فاضل، حاکم شرع آن زمان و رئیس کنونی دادگاه‌های عمومی و انقلاب شیراز، استرداد آن را به ورثه «به مصلحت» ندانست و حکم داد که ستاد اجرایی اراضی فوق را به قیمت عادلانه فروخته و وجه آن را به وراثت بپردازد. این دو مزرعه، به دلیل مرغوبیت محصول برنج آن، که در فارس شهرت دارد، باز هم در تصرف ستاد اجرایی ماند. مصرف برنج سالیانه برخی افراد از این محل تأمین می‌شد و اقدامی برای اجرای حکم قاضی فوق، دال بر فروش اراضی و پرداخت وجه آن به ورثه، انجام نمی‌گرفت. سرانجام، به دلیل مراجعه مکرر ورثه، من تلاش خود را آغاز کردم.

در ۲۹ آذر ۱۳۸۰، طبق طرح علیرضا مسعودی، وی قراردادی صوری با ورثه منعقد کرد که طبق آن ورثه حقوق موروثی پدری و مادری خود را برای مصارف خیریه به مؤسسه رمضان صلح نمودند. این قرارداد برای ارائه به ستاد اجرایی بود. هم‌زمان، قرارداد دیگری منعقد شد که طبق آن مسعودی متعهد بود املاک فوق را پس بگیرد و بابت دستمزد ۲۰۰ هکتار از قصرالدشت، نیمی از دشت تنگ بلاغی و شصت در صد از بنی‌یکه و هاشم‌آباد را دریافت کند. در بند چهارم این قرارداد بر صوری بودن قرارداد قبل تأکید شده بود. مسعودی به تعهدات خود عمل نکرد. او برای استرداد املاک مصادره شده، از طریق مراجعه به مراجع قضایی، اقدامی انجام نداد. در اواخر سال ۱۳۸۰ مزارع بنی‌یکه و هاشم‌آباد به قیمتی بیش از یک میلیارد تومان به فروش رفت. در آن زمان قیمت اراضی فوق همین بود. مسعودی این فروش عادلانه را ناشی از تلاش خود اعلام کرد و ورثه را سپاسگزار نمود. ولی، به‌رغم حکم حاکم شرع، این پول به ورثه پرداخت نشد. من در ۲۲ دی ۱۳۸۱، به علت عدم حضور ظریف‌فر رئیس وقت ستاد در شیراز، با توحیدی‌نیا، معاون وی، تلفنی صحبت کردم. او اعلام کرد که پول در حساب ۱۰۷ بانک ملی به‌نام مالکین ذخیره شده، مراحل قانونی پرداخت آن به مالکین در شرف اتمام است و سود آن نیز به مالکین تعلق می‌گیرد. از این زمان تا اردیبهشت ۱۳۸۲ مسعودی ماهیانه پنج میلیون تومان به ورثه پرداخت کرد؛ جمعاً مبلغی در حدود ۲۵ یا ۳۰ میلیون تومان. معهداً، «بیش از یک میلیارد تومان فوق» هیچگاه به دست ورثه نرسید و معلوم نیست به کجا رفت.

بسم الله الرحمن الرحيم
 صلح نامه

مصلحین: ۱- آقای ژهار فرغانی باجری ۲- خانم مهرا باجری فرغانی باجری ۳- خانم مهرا باجری فرغانی باجری
 از طرف خانم سرست فرغانی باجری ۴- خانم نبوت فرغانی باجری ۵- خانم مریم فرغانی باجری ۶- خانم علی
 فرغانی باجری وارث مرحوم بهرام فرغانی باجری احمد زکریا فرغانی باجری *
 متصالح: مؤسسه خیریه رمضان - نمایندگی آقای علی رضا سعیدی فرزند محمد زین العابدین *
 مورد تصالح: کلیه اموال منقول و غیر منقول مصلحین مورثی از مرحوم محمد فرغانی باجری که طبق حکم دادگاه تقدیم شده است
 ۱۳۸۰ اعتبار شده و اموال مورد تصالح نیز در صورت آگاهی بر مخرج شیبانی نبیند الهی از طرفهای ۸ و ۹ و ۱۰
 فارس (مراجعه می کند و هام ۱۸۱) *

توضیح: مرحوم محمد فرغانی باجری فروری خیر و باقی اموال النفع در منطقه یزد و شیبانی کاش و زری توند و رنگش و شکر در
 کربانان با کسب ثروت و امان داشت. آن مرحوم بجز ما در سایر باجری مستحقین نداشته و در کتب و کتب معتبره با
 سلطنت قاضی بعلوی قریب به ۱۵ سال در زمان آن ایام کتف کسب کرده. نامبرده در کتب و کتب معتبره کتب معتبره است
 از زمان و بعد از آنکه در زمان خود در وقت مرگ آن فقید متوجه اموال آن مرحوم در زمان خود در زمان خود در زمان خود
 فرغانی باجری در اختیار و امان داشت و از جهت در زمان خود در وقت مرگ آن فقید متوجه اموال آن مرحوم در زمان خود
 از اموال منقول و غیر منقول که در زمان آن مرحوم در اختیار آن مرحوم در زمان خود در وقت مرگ آن فقید متوجه اموال آن مرحوم
 باجری به دست آمده بود که در طی این فرایند فرغانی باجری فرغانی باجری با آن مرحوم در زمان خود در وقت مرگ آن فقید
 صاحب اموال فرغانی باجری کرده بود. مراتب فوق در سال ۱۳۸۰ طبق اسناد کتبی که در این خصوص در اختیار آن مرحوم
 و علی اعمام نازک از جهت مرحوم است ارجاع شده که در ۱۳۸۰ (دو اوراق) مرحوم است و در خارج از این حلقه مرحوم
 خارج حلال اموال آن است و در این خصوص اسناد و اسناد صحیح با اموال منقول است و در خصوص حلال اموال آن مرحوم
 و اموال خارج از این حلقه و در زمان رسیدن بود. ولی همانند سایر اسناد کتبی که در این خصوص در اختیار آن مرحوم
 در خواسته و در وقت آن زمان که در این خصوص اسناد کتبی که در این خصوص در اختیار آن مرحوم در زمان خود
 فارس اقدام به شماره اموال و در آن زمان که در این خصوص اسناد کتبی که در این خصوص در اختیار آن مرحوم
 است و همانند سایر اسناد کتبی که در این خصوص اسناد کتبی که در این خصوص در اختیار آن مرحوم در زمان خود
 در وقت آن مرحوم در این اموال فوق یا به جهت است ادعا و تعیین میزان اموال منقول اموال منقول آن اموال
 نیز تعیین نشوند. از آنجا که اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول
 که در این اموال است و در وقت آن مرحوم در این اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول
 در وقت آن مرحوم در این اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول
 مرحوم محمد فرغانی باجری مدارک مستندی که به موجب است نسبت به ملک آن اقدام شده و در آن مدارک
 صرف اموال منقول که در زمان رسیدن آن مرحوم در این اموال منقول اموال منقول اموال منقول اموال منقول
 مدارک و ترتیب را نشانی اموال منقول و ملک به دانش آموزان بی نهایت و ملک به ریشه استعدادهای برتر
 در میان نوهان آن اموال اسلامی. این اقدام باسره آن مرحوم منطبق بوده و موجب آزرش نشود
 بر این اساس قرارداد به امضاء و مهر رسیده است.

امضاء و مهر آقایان: ۱- آقای ژهار فرغانی باجری ۲- خانم مهرا باجری فرغانی باجری ۳- خانم مهرا باجری فرغانی باجری
 امضاء و مهر خانم سرست فرغانی باجری ۴- خانم نبوت فرغانی باجری ۵- خانم مریم فرغانی باجری ۶- خانم علی
 فرغانی باجری وارث مرحوم بهرام فرغانی باجری احمد زکریا فرغانی باجری *

امضاء و مهر آقای علی رضا سعیدی فرزند محمد زین العابدین *

تاریخ: ۱۳۸۰/۰۹/۲۹

محل امضاء مصلحین:  محل امضاء مصلحین: 

قرارداد صورتی
 علی رضا
 مسعودی با
 ورثه محمدخان
 ضرغامی و
 آغا بی بی
 شیبانی.
 طبق این
 قرارداد، ورثه
 کلیه اموال
 موروثی خود را
 به مؤسسه خیریه
 رمضان صلح
 کردند.

سند شماره ۱

در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۸۰ قرارداد حاضر میان درجه اولم همفرغانی، بهری (۱- زرفا دروغانی، بهری ۲، بهراد بانو
 فرغانی، بهری اصالتاً ۳، بهراد بانو فرغانی، بهری و کاتان لزه خانم سرست فرغانی، بهری ۴- خانم بهوش فرغانی، بهری ۵، خانم
 مریم فرغانی، بهری دارنده هم نام فرغانی، بهری) از یکسو و آقای علیرضا مسعودی نماینده خانواده موسسه خیریه رمضان
 از سوی دیگر منعقد گردید.

۱- موسسه مستقر شده نسبت به اتمام حق و استرداد ملکیت و نیز دایمانه تصرفات آن در مزایع زیر اقدام نماید: ۱-
 اراضی مزبوره در اراضی کهن چوک بهر اصلی قطعه (دو بخش ۵۰ فارسی باقیه) زمین پاکوه چوک کیزلی از بخش اصلی قطعه در بخش ۵
 فارسی و مزبوره، چوک با زلفا زلفا اصلی واقع در قطعه در بخش ۵ فارسی و هم در بخش ۵ مزبوره، چوک با چوک اصلی از بخش ۵
 فارسی که مزایع فوق منضم به مزبوره تصرف کوه می باشد. ۲- اراضی مزبوره بهر چوک ۱۵۵۵ قطعه در بخش ۵ فارسی.
 توضیح نسبت اراضی تصرف اولی و دوم در زمین همفرغانی، بهری بوده که در سال ۱۳۶۰ به بهانه عقیقه بابت بوسیدم را از آنجا بوسیله
 مصفا دره و هم و دیگر مستنداتی که در روزگاری بوسیدم را در آنجا بوسیله عقیقه بابت اموال خود است. ۳- چوک های کیزلی
 از ۸۱ اصلی و کیزلی لزه ۸۰ اصلی و کیزلی لزه ۸۰ اصلی و پنج ذریع لزه ۸۰ اصلی واقع در زمین کهن چوک (چوک ۸۰)
 و هاشم آباد (چوک ۸۱) بخش شش فارسی. توضیح نسبت اراضی فوق موردی در حق افکار (در مقدمه ما در حق افکار) و کاتان لزه و دیگر
 ششباری می باشد که اینها در روزگاری بوسیله عقیقه بابت که نسبت به اعاده اکتفا اراضی در روزگاری بوسیله عقیقه
 و اعاده تصرف از اراضی مزبوره نسبت به اقدام نمودن در اتمام تصرفات و اراضی مزبوره در تصرفات و اراضی مزبوره
 ۲- در زمین مسعودی باشد که پس از اتمام اقدام نسبت به اراضی مزبوره بوسیله عقیقه بابت بوسیدم را در آنجا بوسیله عقیقه بابت
 نیز بر این ملکیت قطعه بوسیدم انتقال دهند: ۱- معادل زمین هفت روزه اراضی تصرف اولی و دوم در روزگاری بوسیله
 ۲- معادل زمین لزه اراضی شش فارسی ۳- معادل شصت درصد اراضی شش فارسی و هاشم آباد و توضیح نسبت اراضی مزبوره
 بابت چوک به موسسه خیریه رمضان در صاف و احوال مدارک می باشد. توضیح در توضیح اراضی شش فارسی و هاشم آباد و توضیح نسبت به اقدام
 به بوسیدم انتقال در اراضی مزبوره.

همچنین طرفین متعهد گردیدند که مفاد این قرارداد را تماماً اجرا نموده، بوسیدم پس از اتمام اقدام خود اراضی مزبوره
 تصرف در زمین در زمین نسبت به انتقال اکتفا بهی بوسیدم همانطور که در ماه پس از اعاده اکتفا در تصرف در زمین و سایر
 یکی اقدام نماید.

۴- هر زمان با عفتی این قرارداد منعقد گردید و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری
 منعقد شده که این در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری
 نیز اگر کسی فریبشده نماید همین مقدار در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری
 ۵- وقت اعتبار این قرارداد سه سال می باشد و در صورتیکه در این مدت طرفین بر این امر توافق کرده باشند
 قرارداد حاضر منطبق با کلیه آن گمانا می باشد. ۶- این قرارداد در روزگاری بوسیله عقیقه بابت بوسیدم را در آنجا بوسیله عقیقه بابت
 حکم واحد است. ۷- این قرارداد منطبق با کلیه آن گمانا می باشد. ۸- این قرارداد در روزگاری بوسیله عقیقه بابت بوسیدم را در آنجا بوسیله عقیقه بابت
 لفظ خردی و اصل در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری
 ۹- توضیح نسبت اراضی مزبوره در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری
 مستقر بوسیدم در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری
 چوک در حکم قطعی شش فارسی است که در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری و در زمین همفرغانی، بهری
 با سایر طرفین نسبت به هم اقدام توافق داده است.

قرارداد اصلی مسعودی با ورثه

در بند چهار این قرارداد بر صورتی بودن قرارداد قبل تصریح شده.